

«فرهیختگان» به بررسی روند تضعیف دلار در تجارت جهانی می‌پردازد

روزنه‌گشایی در سایه سلطه دلار

مجید شاکری: بریکس چالشی برای ایجاد یک پیام‌رسان موازی سوئیتف ندارد

یزدی‌زاده: بریکس قدرت مانور ارزی ایران در تحریم را افزایش می‌دهد



سید احسان حسینی خبرنگار

بعد از آغاز جنگ اوکراین و سرعت گرفتن حرکت دنیا به سمت نظم جدید و نظام چند قطبی، مباحث مختلفی درباره افول دلار به عنوان یک ارز جهان‌روا مطرح شده است. به عنوان مثال، چین و روسیه نمونه‌های موثقی از دلارزدایی در دنیا هستند که بعد از فوریه سال ۲۰۲۲ برای رهایی از دلار برنامه‌ریزی کرده‌اند و اکنون ۹۲ درصد از تجارت ۲۶ میلیارد دلاری خود را با ارزهای ملی خود؛ یعنی یوان و روبل، انجام می‌دهند. در ماه جاری نیز گروه بریکس از یک سامانه تسویه ارزی جدید به نام «بریکس پی» و ارزش اختصاصی خود به نام ارز بریکس رونمایی کرد که قرار است جایگزین سوئیتف و دلار در دنیا شوند. البته شاید بتوان گفت که جرقه دلارزدایی در دنیا با تحریم ایران آغاز شد و با تحریم روسیه این فرآیند سرعت بیشتری گرفت. هم‌اکنون استفاده بیش از حد آمریکا از دلار به عنوان یک سلاح تحریمی علیه اقتصاد کشورها باعث شده که آنها به فکر توسعه نظام‌های غیردلاری باشند. با این حال، با مراجعه به آمار مشخص می‌شود که جریان دلارزدایی از اقتصاد جهانی هنوز در ابتدای راه خود قرار دارد. به عبارت دیگر، هرچند تحولات چندساله گذشته زامی توان آغازی بر پایان سلطه تک قطبی دلار نامید، اما پایان این فرآیند هنوز مشخص نیست و افول دلار آمریکا به عنوان یک ارز جهان‌روا به این سادگی و سرعت رخ نخواهد داد.

سهم دلار آمریکا و یوان چین در تجارت دنیا

طبق آمار فدرال رزرو (تصویر ۱)، در سال ۲۰۲۲ سهم دلار و یوان از میزان ذخایر ارزی بانکی به ترتیب ۵۸۴ و ۲۷ درصد بوده است. اگر چین را یک کشور پیشرو در توسعه نظام غیردلاری بدانیم، از سال ۲۰۱۵ تاکنون، سهم یوان چین از ذخایر ارزی بانکی ۲۷ درصد رشد داشته و سهم دلار بافت ۷۳ درصدی مواجه شده است. روند تاریخی سهم ارزهای مختلف از ذخایر بانکی در تصویر ۲، هرچند نشان‌دهنده افت سهم دلار و ظهور یوان چین است، اما اگر دقت کنید، ارزهایی که ماقبی سید را پر کرده‌اند نیز کشورهای زیر مدیریت کلان آمریکا و نظام‌های دلاری هستند. در تصویر ۳، سهم ارز کشورهای مختلف از مبادلات سوئیتف را نشان می‌دهد که طبق آن دلار با سهم ۲۹۱ درصدی بیشترین سهم را داشته و سهم یوان چین فقط ۲۷ درصد است. در مجموع، با مراجعه به دو شاخص سهم ارزها در ذخایر بانکی و مبادلات سوئیتف درمی‌یابیم که هنوز فاصله زیادی تا پایان سلطه دلار وجود خواهد داشت.

با این وجود، گسترش توافقات کشورهای مختلف برای تسویه ارزی در پیام‌رسان‌های غیردلاری و امضای قراردادهای دوجانبه برای تجارت با ارزهای ملی، یک روزنه‌گشایی برای پایان عصر دلار محسوب می‌شود. البته اگر ایده آل‌گرا نباشیم و به دنبال پایان عصر دلار نباشیم، حداقل فایده تضعیف نسبی دلار و توسعه نظام‌های غیردلاری این است که فضای بیشتری برای اقتصادهایی در اندازه ایران جهت انجام تراکنش‌های ارزی در شرایط تحریم فراهم می‌کند. در این راستا، با دو تن از کارشناسان اقتصادی درباره ظرفیت گروه بریکس برای تسهیل تسویه ارزی ایران به گفت‌وگو نشستیم.

ارز بریکس چگونه می‌تواند متولد شود؟

مجید شاکری، کارشناس اقتصاد بین‌الملل، در گفت‌وگو با روزنامه «فرهیختگان» به ظرفیت بریکس برای تنوع‌بخشی به نظام تسویه ارزی دنیا اشاره می‌کند. مشروح این مصاحبه به صورت یادداشت از وی آورده شده است.

بنده درباره ارز بریکس صحبت می‌کنم. اساساً تولید یک ارزی مثل دلار یا یورو در محدوده بریکس به معنا است. یعنی اولاً ساختن بازار مالی آن قدر عمیق که جهان‌روا بودن دلار را رقم می‌زند، عملاً در محدوده بریکس ممکن نیست. ثانیاً اقتصاد اعضای بریکس بسیار متفاوت است و نسبت به همدیگر هیچ‌گونه همگنی به لحاظ ویژگی‌ها ندارد. سه ویژگی اصلی برای ایجاد یک ارز مشترک لازم است که بریکس آن را ندارد. وقتی که آزادی جابه‌جایی نیروی کار، آزادی جابه‌جایی سرمایه، آزادی جابه‌جایی تجارت کالاهای اعضای بریکس وجود ندارد، پس اصلاً ارز بریکس نمی‌تواند حتی به یک نمونه مشابه یورو تبدیل شود.

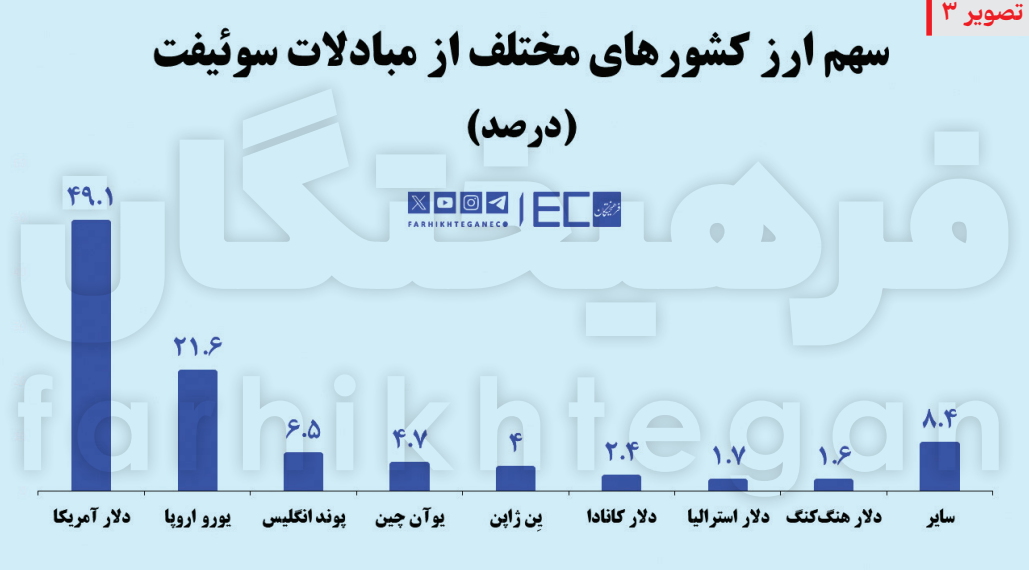
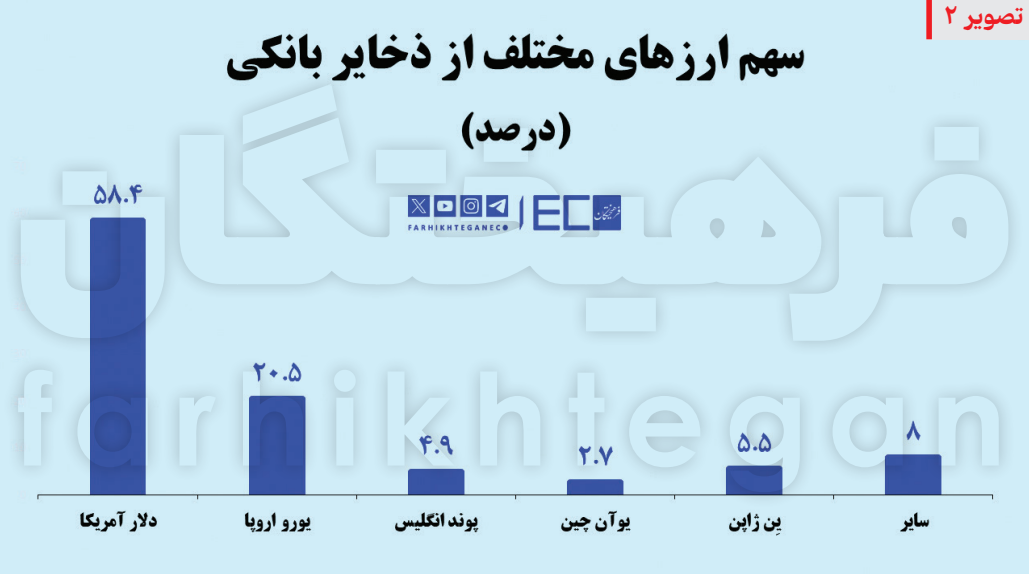
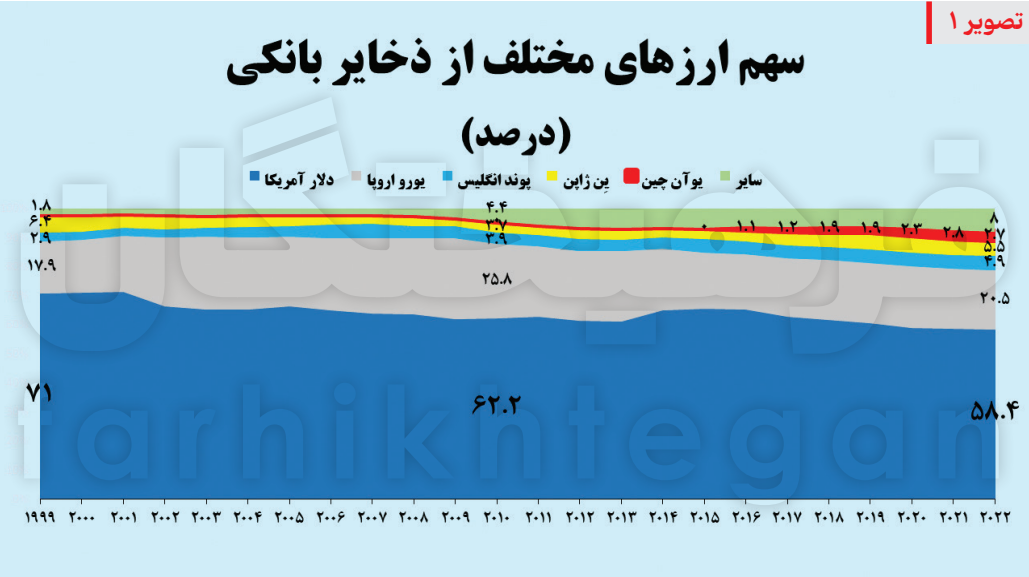
اما از نظر فنی، چه چیزی معقول است که بین بریکس ایجاد شود؟ چیزی مثل SDR (واحد ویژه براداشت از صندوق بین‌المللی پول)، یعنی نه یک ارز در سطح بانک‌های تجاری، بلکه یک ارز در سطح بانک‌های مرکزی که برای تسویه حساب بین بانک‌های مرکزی کار کند. ایجاد چنین ارزی توسط بریکس از نظر فنی شدنی است. اما از طرف دیگر دو مسئله اینجا وجود دارد. یکی اینکه ایجاد چنین ارزی نیازمند هماهنگی و هم‌کاری همه کشورهای بریکس است که عملاً ایجاد این ارز حتی در معنای تسویه بین بانک‌های مرکزی، یک تلاش سیاسی برای تضعیف دلار است؛ هرچند جایگزین دلار نمی‌شود. در نتیجه معلوم نیست که هندی‌ها حاضر باشند چنین نقشی را ایفا کنند. پس مادامی که ما از این مسئله، یعنی همراهی همه اعضای بریکس مطلع نشویم و خیال‌مان راحت نشود، تصور اینکه یک ارز می‌تواند در داخل بریکس متولد شود معقول نیست.

تقریباً دو سال پیش، یک مقاله کارشناسی توسط چینی‌ها منتشر شد که آنها هم معتقد بودند اگر بنا باشد ارزی درست شود، نمی‌تواند با حضور هندی‌ها در داخل بریکس انجام شود. اما با یاد منتظر ماندن و دید که چه اتفاقاتی می‌افتد، به هر حال هندی‌ک نقش دوگانه‌ای را بین روسیه و آمریکا بازی می‌کند که باید ببینیم در آینده چه می‌شود.

اما یک نکته دوم وجود دارد؛ اینکه شکل ارزی بانک‌های مرکزی اعضای بریکس هیچ وقت امکان‌ناخواهد بود. یعنی تقریباً با این منطقی که باید بریکس به دنبال SDR جدید باشد، رونمایی کردن از یک اسکناکس صرفاً معنای یک نمایش است.

بریکس چالشی برای ایجاد یک پیام‌رسان موازی سوئیتف ندارد

قطعا برای بریکس، ایجاد یک ارز مشترک مهم‌تر از ایجاد سامانه‌ای موازی سوئیتف است. یعنی اگر سؤال این باشد که آیا یک شبکه پیام‌رسان مالی جایگزین سوئیتف لازم داریم، این از نظر فنی راحت‌تر است، ضمن اینکه اکنون چیزی به اندازه CIPS (سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین وجود دارد. سیستم CIPS چینی‌ها هم این نقش ایفا می‌کند و هم همزمان این تکنولوژی را دارد که عملاً با ایجاد یک بازار بین‌بانکی، بین بانک مرکزی چین و بانک‌های فاسا‌حل حوزه یوان آن دغام شود. پس این سیستم پرداخت، هم پیام‌رسان است و هم بازار بین‌بانکی. در نتیجه، چالش بریکس ایجاد یک سامانه پیام‌رسان نیست؛ یعنی همین الان اعضای بریکس گزینه مختلفی را برای جایگزینی سوئیتف دارند. اعم CIPS چینی‌ها، یا سامانه روس‌ها یا سامانه سپام ایران. اما چالش اصلی در حوزه ایجاد یک ارز جدید است که به شکل متفاوتی از همکاری تجاری و مالی نیاز دارد.



مدل تجاری چین و روسیه نیازمند تکثیر درکل بریکس است

تجربه‌ای که از تحریم ایران به عنوان یک کشوری که از نظامات دلاری اخراج شده وجود دارد، به ما می‌گوید که اینکه شما در چه قالب تجاری تسویه را انجام می‌دهید و تا چه حد در کل این سیستم، تجارت تراز است، مهم‌ترین مسئله است. یعنی اگر یک روزی مازاد حساب جاری بین اعضای بریکس به سمت صفر میل کرد، به این معنا که بخش اصلی تجارت‌شان بین خودشان تعریف شد، آن وقت ایجاد یک نظام پرداخت معنادار است؛ حالا با همه لوازم آن اعم از ارز، ساختار پرداخت و روش تسویه. اما هنوز تا آن نقطه فاصله زیادی وجود دارد. چه چیزی دلار را در می‌کند؟ اینکه دلار به عنوان یک نظم جهانی، هم خالص عرضه و تقاضا در آن با هم متناسب است و هم به خاطر وجود یک بازار مالی بسیار عمیق، عملاً نوسانات تجاری باعث تغییر ارزش ارز یا مشکل در تسویه می‌شود. اما هنوز مشابه نمی‌شود. پس در نهایت، اگر یک روزی بنا باشد یک ارز واقعی در حوزه بریکس ایجاد شود، شما نیازمند آنید که یک چیزی شبیه طرح مارشال داشته باشید. یعنی یک چیزی که اقتصاد این کشورها را طوری به هم بدوزد و طوری چرخه ایجاد بستن‌کنکاری و بدهکاری را فراهم کند که در داخل خود تسویه شود یا به طرز معناداری شما بتوانید در چرخه کامل بروید.

اما اکنون در بریکس ما با اقتصادهای تقریباً جدازهم مواجه هستیم که بخش اصلی مبادلات آنها با همدیگر نیست؛ مگر یک استثنا به نام روابط اقتصادی روسیه و چین؛ که آن استثنا را می‌شود تکثیر کرد، که البته با تکثیر آن هم خیلی فاصله داریم.

خدشه به جهان‌روا بودن دلار بعید به نظر می‌رسد

به نظر من برای قضاوت درباره افول دلار هنوز خیلی زود است. ارز کشورهای بریکس در نهایت، اگر یک روزی متولد شود، یک ارز تجارت پایه است؛ یعنی یک ارزی است که روی مزیت رقابتی آنها در حوزه کامودیتی‌های سوار است. یعنی اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های انرژی مثل ایران و روسیه در این سازوکار حضور دارند. یک کشوری مثل چین که سمت مقابل این ترازنامه را بر می‌کند، روی تجارت کامودیتی سوار است، در حالی که کل مبادلات تسویه تجاری یک سال جهان معادل چهار روز مبادلات تسویه مالی جهان است. آن بازارهای مالی عمیقاً دلاری هستند و حتی بازارهای غیردلاری مثل یورو، یوان، وون کره، فرانک سوئیس، پوند انگلستان؛ حتی این بازارها هم عمیقاً روسیه در نظام دلاری به خصوص نظام اوراق قرضه دلار به عنوان وثیقه اولیه و آجر سازنده و پایه این بنای بلند دارند.

پس آیا ممکن است ما بتوانیم در قالب ارز بریکس راه‌حلی پیدا کنیم که بر اساس آن راه‌حل بتوانیم سؤال تجارت بین این کشورهای عضو بریکس را خارج از نظامات پس از برتون و دوز روان در کنیم؟ بله، اگر به دنبال چیزی شبیه SDR باشیم. آیا ممکن است ما با این کاری که می‌کنیم، جهان را بدون دلار در چار خدشه جدی کنیم، به این معنا که مثلاً اتفاقی که برای ایر انگلستان افتاد، برای دلار آمریکا بیفتد؟ نه اصلاً.

افراط در تحریم باعث فروپاشی امپراتوری دلار می‌شود

محمدرضایزدی زاده، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با روزنامه «فرهیختگان» درباره سامانه بریکس پی و جایگزینی آن با سوئیتف توضیح می‌دهد. مشروح این مصاحبه، در قالب یادداشت از وی آورده شده است.

به نظر، بحث دلارزدایی را کمی توضیح بدهیم تا اهمیت آن مشخص شود. دلارزدایی یعنی در حقیقت حمله به زیربنای موجودیت آمریکا. اقتصاد آمریکا اقتصادی است مبتنی بر چک‌های سبزی به نام دلار. دقت بفرمایید که آمریکایی‌ها سال‌ها طولانی است که با نشر چک‌های کاغذی خود، ثروت جهان را جذب کرده‌اند. وقتی شما به آمار صادرات و واردات آمریکا نگاه می‌کنید، می‌بینید همیشه کسری تراز تجاری وجود دارد. همین اسمال، کسری تراز تجاری آن از یک تریلیون دلار گذشته است، ولسی اتفاقی نمی‌افتد. این کسری را از کجا دارد تأمین می‌کند؟ با همین چک‌های سبزی تأمین می‌کند. یعنی آنجا نشسته و دسته چکی برای خودش چاپ کرده است، روی آن را امضا می‌کند، به شما می‌دهد، می‌گوید به من نفت بده، به شما می‌دهد می‌گوید به من فلان چیز را بده و ثروت جهان را جمع کرده است. بزرگ بودن این اقتصاد اتفاقاً بر مبنای همین قضیه است.

وقتی شما می‌آیید می‌گویید من می‌خواهم دلارزدایی کنم، یعنی می‌خواهی اساس این امپراتوری را به هم بریزی. آمریکایی‌ها ۷۰۰ پایگاه نظامی در دنیا دارند. فکر می‌کنید ۷۰۰ پایگاه نظامی برای چیست؟ این‌ها برای گرو گرفتن اقتصاد کشورهایی است که در آن حاکم هستند و اقمارشان محسوب می‌شوند. اقتصاد این کشورها جزئی از اقتصاد آمریکا است، چون همه دارند از همین چک سبزی استفاده می‌کنند. شرایطی که آمریکایی‌ها در سال‌های گذشته ایجاد کرده و از دلار به عنوان ابزار تحریم و سلاح استفاده کردند، کم‌کم اعتبار دلار را زیر سؤال برد. پذیرش یک ارز بیش از هر چیز به اعتبار آن متکی است. اگر اعتبار آن لطمه بخورد، مسئله‌ساز می‌شود.

بریکس قدرت مانور ارزی ایران در تحریم را افزایش می‌دهد

موضوع تحریم دلاری ایران آغاز دومینویی برای تحریم‌های بیشتر بود و اکنون کشورها فکر می‌کنند که این اتفاق ممکن است برای آنها هم رخ بدهد. اینکه کشورها بایبند با ارزی مثل خود تبادل کنند، بارها و بارها امتحان شد، ولی موفق نمی‌شود. چرا؟ زیرا شما به همان اندازه که به کشور طرف مقابل صادرات دارید، لزوماً به همان اندازه واردات ندارید. اگر من به روسیه مثلاً فرض بفرمایید یک میلیارد دلار صادرات داشته باشم، می‌توانم به همین میزان از او روبل بگیرم، بعد که خواستم از او خرید کنم، همین یک میلیارد از خرج کنم. اما اگر چنانچه من از روسیه صد میلیون دلار وارد می‌کنم و یک میلیارد به او صادر کرده‌ام، معادل نصد میلیون دلار روپل دست من مانده است و کاری نمی‌توانم بکنم که چالش‌ساز می‌شود.

بریکس از این جهت مهم است که شما این میدان را وسیع‌تر می‌کنید. یعنی به جای دو کشور، چند کشور را دارید دیگری می‌کنند که با هم می‌توانند انجام بدهند. پس موضوع ایجاد ارز بریکس و سامانه بریکس پی قطعاً شادنی است، اما خب کار به این سادگی هم نیست و بریکس با یک سری مشکل مواجه است.

اقتار آمریکا می‌توانند سازی دلارزدایی بریکس را به هم بزنند

یکی از مشکلاتی که پیش‌تر بریکس با آن مواجه بود، اختلاف بین چین و هند است. اعضای بریکس در اجلاس آگوست ۲۰۲۳، یک پولی را پیشنهاد کردند به نام R؛ به خاطر اینکه حرف اول پول‌های ملی پنج عضو اصلی بریکس با R شروع می‌شود. گفتند ما می‌آییم یک ارز مشترکی ایجاد می‌کنیم، اما اجرا به دلیل اختلاف چین و هند به نتیجه نرسید. چینی‌ها برای اینکه از وضعیت اقتصاد جهانی احساس خطر کرده‌اند و می‌دانند که باید خودشان را زودتر نجات بدهند، به نظر می‌رسد که کمی منعطف شدند. چین و هند در اجلاس اخیر مشکل مرزی‌شان را هم حل کردند. این مسئله خیلی مهمی بود. دست دادن رئیس‌جمهور چین و هند با اعلام اینکه مسئله ما ختم شد، بسیار مهم است. حضور اقمار آمریکا در گره بریکس هم از دیگر چالش‌های تضعیف دلار است. البته عربستان اعلام کرد که من عضو بریکس نبودم و درخواست هم نادم. در صورتی که عضو شده بود و تأیید شده بود. اتفاقاً بیرون رفتن او خوب است، به این دلیل که شما نمی‌توانید از اقمار آمریکا انتظار داشته باشید که برخلاف آن عمل کنند و اگر وارد بریکس شوند، کارشکنی خواهند کرد. ما هنوز امارات را در بریکس داریم که قطعاً با کارشکنی‌هایی از جانب آن مواجه خواهیم شد، یعنی باید اعضای بریکس با این کشور تعیین تکلیف کنند.

بریکس یک حرکت خیلی جالبی در این اجلاس کرد. اینکه کشورهایی که برای عضویت تقاضا داده بودند را فعلاً متوقف نگه داشت و اعلام کرد فعلاً قرار نیست که عضو جدید بگیرد تا ببیند اصلاً تکلیف چیست. چون این گروه دارد یک بلوک را در مقابل غرب و اقماران آن تشکیل می‌دهد و کشورهایی که عضو می‌شوند باید به اصولی معتقد باشند.

اقتصاد بریکس از گروه هفت بزرگ‌تر است

به نظرم نهایتاً گروه بریکس به یک ارز مشترکی به صورت میانگین وزنی اعضای اصلی با اقتصادهای اصلی خواهد رسید و این کار الزامی است. صرف ایجاد سامانه بریکس پی کافی نیست. شما سامانه را جایگزین سوئیتف می‌کنید، اما نقل و انتقال دلار را نمی‌توانید بدون تأیید فدرال رزرو انجام بدهید. در نتیجه وقتی که شما ارز بریکس را ایجاد نکنید، درحقیقت چالش اصلی یعنی وابسته بودن به دلار باقی می‌ماند.

ما اول و آخر ناچار هستیم که در بریکس یک ارز مشترک ایجاد کنیم یا ارز یکی از کشورهای را به عنوان ارز مشترک تعیین کنیم. با این اقدام است که به اعتبار دلار خدشه وارد می‌شود. بحث سیستم پرداخت یک بحث است، بحث خود پول و ارزی که جابه‌جا می‌شود یک بحث دیگر است و قطعاً لازم است که این اتفاق بیفتد.

با این اتفاق، شما می‌توانید الگوی تجارت خود را بر اساس نرخ‌ها یا تعرفه‌های ترجیحی خود اعضای بریکس به گونه‌ای تنظیم کنید که حداکثر نیازهای خود را از اعضای این گروه تأمین کرده و کالاهای خود را هم به این اعضا بفروشید. این مدل همگرایایی است که منجر به دلارزدایی در تجارت خارجی خواهد شد. حجم اقتصاد کشورهای اصلی بریکس الان از گروه هفت بزرگ‌تر است؛ اگر اعضای جدید هم وارد بریکس شوند که همین الان مقضای هستند، بیش از پنجاه درصد اقتصاد دنیا را شامل می‌شود. بنابراین به نظرم می‌تواند ایده بریکس پی و ارز بریکس موفق باشد. من فکر می‌کنم که اجلاس سال ۲۰۲۵ در برزیل شروع رسمی یک سری اتفاقات است، از جمله سیستم پرداخت و حتی شاید بهره‌برداری از ارز مشترکی که می‌تواند یک میانگین وزنی از ارز اعضا باشد.